

بررسی آسیب‌پذیری اجتماعی امدادگران در حوادث طبیعی با تأکید بر زلزله‌های بم، ورزقان و اهر

امیر سلطانی نژاد^۱، ادیبه برشان^۲

امیر صدراسدی^۳، منصوره میرحسینی^۴

۱. نویسنده مسئول: دکترای جامعه‌شناسی، دانشگاه فرهنگیان خواجه نصیرالدین طوسی، کرمان، ایران

Email: amirsoltan59@gmail.com

۲. دکترای سنجش آموزش، دانشگاه تهران، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، تهران، ایران

۳. کارشناس ارشد مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان، کرمان، ایران

۴. کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه پیام نور سمنان، سمنان، ایران

دریافت: ۹۶/۴/۶ پذیرش: ۹۷/۲/۱۶

چکیده

مقدمه: زلزله از غم‌انگیزترین و مخوف‌ترین بلایای طبیعی به شمار می‌آید که هر ساله جان عده زیادی را در سراسر جهان می‌گیرد و خسارات زیادی به بار می‌آورد که فقط محدود به خسارات مادی نبوده و صدمات و آسیب‌های اجتماعی زیادی به جامعه وارد می‌کند. بنابراین اگرچه زلزله یک حادثه طبیعی است، اما به سبب آثار اجتماعی گوناگون آن به یک موضوع جامعه‌شناختی تبدیل شده و گروه‌های آسیب‌پذیری را به وجود می‌آورد که یکی از این گروه‌ها امدادگران می‌باشند. هدف از این پژوهش بررسی آسیب‌پذیری اجتماعی امدادگران در زلزله بود.

روش: پژوهش حاضر از نوع کیفی-کمی بود که به صورت مقطعی انجام شد. جامعه آماری نیز شامل امدادگران استان‌های آذربایجان شرقی و کرمان بودند. در بخش کیفی، به منظور شناخت آسیب‌های

اجتماعی امدادگرانی که زلزله را تجربه کرده‌اند، از طرح تحقیق پدیدارشناسی با بهره‌گیری از گروه‌های کانونی استفاده شد. بدین منظور سیزده نفر به روش نمونه‌گیری هدفمند برای گروه کانونی امدادگران انتخاب و آسیب‌های اجتماعی زلزله شناسایی شدند. در مرحله کمی، نود نفر از امدادگرانی که زلزله‌های بم، ورزقان و اهر را تجربه کردند انتخاب و سپس نود نفر که زلزله را تجربه نکردند به‌طور هم‌تا با گروه اول انتخاب شدند و سؤالات پرسشنامه انزوای اجتماعی، پرسشنامه بی‌هنجاری اجتماعی و پرسشنامه فرسودگی شغلی را تکمیل کردند. داده‌های گردآوری شده با نسخه ۲۱ نرم‌افزار SPSS و آزمون T تجزیه و تحلیل شدند.

یافته‌ها: در بخش کیفی، آسیب‌های اجتماعی زلزله شامل بی‌هنجاری اجتماعی، انزوای اجتماعی و فرسودگی شغلی از طریق مصاحبه‌ها شناسایی شدند. در بخش کمی نتایج نشان داد میانگین بی‌هنجاری اجتماعی امدادگران حاضر در زلزله (۲۳/۷۸ ± ۷۴/۴۶) و سایر امدادگران (۲۲/۲۷ ± ۵۰/۲)، میانگین انزوای اجتماعی امدادگران حاضر در زلزله (۲/۶۳ ± ۹) و سایر امدادگران (۲/۳۴ ± ۷)، میانگین فرسودگی شغلی امدادگران حاضر در زلزله (۱۸/۹۱ ± ۸۰/۹۳) و سایر امدادگران (۱۷/۷۷ ± ۴۰/۰۳) بود. بنابراین یافته‌ها نشان داد که میزان بی‌هنجاری اجتماعی، انزوای اجتماعی و فرسودگی شغلی امدادگران حاضر در زلزله بیش از سایر امدادگران بود. ($P < 0/01$)

نتیجه‌گیری: براساس یافته‌های مطالعه حاضر، امدادگران از جمله گروه‌های اجتماعی آسیب‌پذیر در زلزله می‌باشند که علاوه بر آسیب‌های روانی

بررسی آسیب‌پذیری اجتماعی امدادگران در حوادث طبیعی با تأکید بر زلزله‌های بم، ورزقان و اهر

قرار گرفته، زلزله‌های شدیدی این کشور را تهدید کرده و عامل تلفات بشری و خسارات اقتصادی قابل توجه در کشور شده است. مناطقی چون تربت‌حیدریه، شیروان، لاریجان، رودبار گیلان، طبس، سیرج کرمان، بم، اهر و ورزقان مهم‌ترین آن‌ها بودند که در این وقایع بیش از ۱۷۰ هزار نفر جان خود را از دست دادند. [۳]

حوادث طبیعی به سبب ابعاد گسترده و پیامدهایی که بر ساخت زندگی بشری می‌گذارند از اهمیت خاصی برخوردارند. از جمله پیامدهای این حوادث به ویژه زلزله، آسیب‌های پذیری گروه‌های اجتماعی می‌باشد. بر این اساس مصائب جمعی از منظر جامعه‌شناختی نه فقط رویدادهای جوی و زمین‌شناختی بلکه وقایع اجتماعی جوهری یا ذاتی هستند. منظور از این مفهوم که راسل داینس^۱ کراراً آن را به‌کار برده است، اشاره به وقایع اجتماعی تام و کامل است. زیرا پس از حادثه پدیده اجتماعی بدون نقاب ظاهر می‌شود. [۴]

در حوادث طبیعی نه فقط ساکنان منطقه حادثه دیده، آسیب می‌بینند بلکه گروه‌های کمک‌رسان و امدادگران هم تحت تأثیر این حوادث قرار می‌گیرند. تحقیقات انجام شده در این زمینه بیانگر این امر می‌باشد.

پاتون^۲ (۱۹۸۹) پس از بررسی و بازنگری تعدادی از مطالعات مربوط به تکمیل نقش امدادگر، علائم عمده ناشی از آثار فاجعه بر سلامت امدادگران را تغییر عادات تغذیه، بیماری‌های عمومی بدن، افزایش استعمال دخانیات که به‌طور غیرمستقیم آثار

اضطراب، احساس گناه، افسردگی و درماندگی، دچار آسیب‌های اجتماعی نیز خواهد شد که این آسیب‌ها کمتر مورد توجه قرار گرفته است؛ بنابراین برنامه‌ریزی و اتخاذ تدابیر لازم برای کاهش و کنترل این گونه آسیب‌ها، یکی از مهم‌ترین ضرورت‌های پیش روی خواهد بود.

کلمات کلیدی: آسیب‌پذیری اجتماعی، امدادگران،

زلزله، انزوای اجتماعی، بی‌هنجاری اجتماعی

مقدمه

وقوع حوادث و بلایای طبیعی را می‌توان از مهم‌ترین دغدغه‌ها و نگرانی‌های زندگی بشر به‌خصوص مردم کشورهای در حال توسعه دانست. در نگرش کلی، بلایا را می‌توان به دودسته بلایای ناشی از پدیده‌های طبیعی و بلایای حاصل از دخالت انسان تقسیم کرد. آمار رخداد بلایا در کشورهای در حال توسعه حاکی از آن است که اکثر بلایای واقع شده از دسته اول یعنی بلایای طبیعی می‌باشند. [۱]

بر اساس آمار منتشر شده، کشور ما به لحاظ حوادث غیرمترقبه جزو ۱۰ کشور بلاخیز جهان است که از ۴۰ حادثه طبیعی غیرمترقبه بیش از ۳۰ مورد آن در ایران رخ می‌دهد. ایران تنها یک درصد جمعیت جهان را تشکیل می‌دهد. در حالی که شش درصد تلفات بلایای جهان به ایران تعلق دارد. [۲]

زلزله به‌عنوان یکی از مخرب‌ترین بلایای طبیعی شناخته می‌شود که تأثیر عوارض آن روی جوامع بشری چه از بُعد تلفات جانی و چه از نظر اقتصادی همواره در طول تاریخ قابل توجه بوده است. با توجه به این که ایران روی کمر بند زلزله‌خیز آلپ هیمالیا

¹ Russell R. Dynes

² Paton

سویی بر امدادگر دارد مشکلاتی از قبیل تنش‌های عضلانی شدید، اختلالات روده‌ای- معده‌ای، سردرد، کمردرد و فرسودگی شغلی^۱ می‌داند. [۵]

رافائل^۲ (۲۰۱۵) معتقد است که واکنش روان‌شناختی و هیجانی متداول نسبت به فشارهای نقش، افسردگی است. این افسردگی، به‌ویژه در مددکاران اجتماعی که برای یاری و کمک قربانیان به صحنه فاجعه وارد می‌شوند، مصداق پیدا می‌کند. همچنین، مشکلات و اختلافات خانوادگی، آسیب‌پذیری^۳ و استعداد ابتلا به امراض جسمی در سایر متون مربوط به امدادگران توصیف شده است، هرچند این قبیل موضوع‌ها به‌گونه‌ای منظم مورد مطالعه قرار نگرفته‌اند رافائل همچنین، علائم و واکنش‌های امدادگران به ابهام نقش را چنین مطرح می‌سازد؛ مشکلات خواب، احساس بی‌کفایتی، افکار ناخواسته، احساس درماندگی و افسردگی تحریک‌پذیری، خشم و تغییرات انگیزشی می‌بینیم [۶] که تحقیقات انجام‌شده پیرامون آسیب‌پذیری^۴ در حوادث طبیعی، آسیب‌های روانی و جسمانی محدود است و این در حالیست که بدون شک حوادث با خود تبعات اجتماعی زیادی خواهند داشت. در برخی موارد گستردگی آسیب‌پذیری اجتماعی بیشتر از مسائل روان‌شناختی است، چنانچه دامنه آسیب‌های اجتماعی وارد شده، سال‌ها بعد از وقوع یک بحران حضور خواهد داشت. بنابراین انتظار می‌رود که به ابعاد اجتماعی حوادث خصوصاً حوادث طبیعی بیشتر پرداخته شود. در این

بین توجه به آسیب‌های وارده بر امدادگران، اهمیت بیشتری می‌یابد، زیرا فرسودگی ناشی از استرس شغلی، سبب بی‌هنجاری اجتماعی و انزوای اجتماعی در این گروه می‌گردد. بنابراین با توجه به آسیب‌پذیری اجتماعی امدادگران و کمبود تحقیقات انجام‌شده در این زمینه، وظیفه هر انسان دانشگاهی و محقق این است که متناسب با رشته تخصصی خود گامی هرچند کوچک برای شناخت فاجعه و آسیب‌پذیری گروه‌های اجتماعی بردارد. بدین ترتیب هدف محقق از این پژوهش، بررسی آسیب‌پذیری امدادگران در زلزله در ابعاد بی‌هنجاری اجتماعی، فرسودگی شغلی و انزوای اجتماعی است. در این خصوص محقق می‌کوشد، علاوه بر گشودن دریچه‌های جدیدی پیش روی پژوهشگران و مؤسسات مطالعاتی در زمینه آسیب‌پذیری اجتماعی امدادگران، خلاء و کمبود منابع اطلاعاتی در زمینه جامعه‌شناسی گروه‌های اجتماعی آسیب‌پذیر در حوادث طبیعی را تا حدودی پر نماید.

مباحث نظری

اگرچه بلایای طبیعی در نگاه اول، موضوع کنکاش مباحث جامعه‌شناختی نیست، اما به سبب وقوع اتفاقات پس از آن، این علم می‌تواند به این موضوع وارد شود، زیرا پیامدهای اجتماعی حوادث عظیمی همچون زلزله، ساخته‌شدن بی‌هنجاری^۵، بیگانگی اجتماعی^۶، نابسامانی^۷، انزوای اجتماعی^۸ و عدم تعادل در گروه‌های اجتماعی است. [۷]

⁵ anomie

⁶ social alienation

⁷ disorders

⁸ social isolation

¹ job burnout

² Raphael

³ accident prone

⁴ vulnerability

بررسی آسیب‌پذیری اجتماعی امدادگران در حوادث طبیعی با تأکید بر زلزله‌های بم، ورزقان و اهر

با به هم خوردن الگوهای مرسوم و متعارف زندگی اجتماعی، افراد به‌طور یکسان آسیب نمی‌بینند و گروه‌های آسیب‌پذیر را به وجود می‌آورند. بررسی آسیب‌پذیری گروه‌های اجتماعی در حوادث در حیطه جامعه‌شناسی فاجعه قرار می‌گیرد این شاخه از جامعه‌شناسی، رهیافتی مبتنی بر نظریه و دیدگاه‌های جامعه‌شناختی است که ابعاد اجتماعی رفتار انسان‌ها را به‌طور هدفمند در نظر می‌گیرد. این رهیافت به آسیب‌پذیری، واکنش جوامع، دگرگونی‌های اجتماعی و تأثیرات آسیب بر رفتار افراد در ابعاد اجتماعی می‌پردازد. به‌طور کلی این شاخه از جامعه‌شناسی، به دنبال مشخص کردن این مسئله است که در شرایط فاجعه چه متغیرهایی بر ساختار یک نظام اجتماعی و روابط درون آن تأثیر می‌گذارد. یکی از این متغیرها شغل می‌باشد و به همین دلیل از میان گروه‌های اجتماعی، امدادگران بیشتر از سایر گروه‌ها در معرض پیامدهای اجتماعی حوادث طبیعی قرار دارند و بحران‌ها همواره آسیب‌پذیری آنان را تشدید می‌کند. یکی از آسیب‌های اجتماعی امدادگران بعد از حوادث بی‌هنجاری اجتماعی است. [۸]

اصطلاح آنومی برای اولین بار در کتاب «تقسیم کار اجتماعی»^۱ توسط دورکیم^۲ به کار برده شد. او این مفهوم را به «شرایط اجتماعی بی‌هنجار» یا «بی‌سازمانی اجتماعی» تعبیر کرد. وی بی‌هنجاری را وضعیتی فکری و ذهنی می‌داند که در آن فرد تصور می‌کند که هنجارهای اجتماعی نفوذ خود را از دست داده‌اند. به اعتقاد وی، جوامع انسانی از ماهیتی به‌طور نسبی ساده و غیرمترکب به جوامعی پیچیده

تبدیل شده‌اند، به همان شکلی که گسترش تقسیم کار، موجب گذار جوامع اروپایی از یک مرحله سنتی، ساده، مکانیکی و فئودالی به مرحله مدرن، صنعتی، پیچیده و ارگانیکی می‌شود سبب بروز بی‌هنجاری نیز می‌شود دورکیم علاوه بر تقسیم کار بر نقش بحران‌ها در بی‌هنجاری اجتماعی تأکید می‌کند. وی معتقد است بحران‌های اقتصادی و طبیعی سبب از بین رفتن هنجارها و قواعد اجتماعی می‌شوند و هرچه شدت این حوادث، بیشتر باشد تغییر ناگهانی در استانداردهای زندگی بیشتر می‌شود و گروه‌های در معرض خطر احساس بی‌هنجاری و بی‌نظمی می‌کنند. بنابراین بی‌هنجاری در نظر وی، اشاره به بی‌سازمانی، گسستگی و از هم گسیختگی اجتماعی، اختلال و اغتشاش در نظام جمعی دارد. بنابراین آنچه که دورکیم در ارتباط با آنومی مطرح کرده است در زلزله نیز قابل مشاهده می‌باشد. [۹]

رافائل (۱۹۸۶) معتقد است، فشارزایی که امدادگران با آنها روبه‌رو و آنها را تجربه می‌کنند، ممکن است شدید باشند که در چنین وضعیتی امدادگران یا در مراحل آتی پس از فاجعه علائمی را در واکنش به فشارها تجربه می‌کنند یا امکان دارد این عوامل به‌طور دراز مدت بر آنان تأثیر گذارد. وی معتقد است که امدادگران دچار فروپاشی و تحلیل رفتگی می‌شوند. این علائم بخشی از علائم نشانگانی هستند که به عنوان نشانگان فرسودگی ناشی از فشار روانی کار تعریف می‌شوند.

اسمیت (۱۹۸۹) معتقد است که یکی از پیامدهای تجربه امدادگری در فاجعه، کاهش قابلیت کنترل و پیش‌بینی است، که این فقدان، خود به احساس محرومیت و ناتوانی منجر می‌شود. اختلاف بین

¹ division of labor
² Durkheim

بر حُسن اجرای وظایف محوله تأثیر می‌گذارد و افراد مبتلا نمی‌توانند چون گذشته عملکرد شغلی لازم را از خود نشان دهند. [۱۲]

انزوای اجتماعی یکی دیگر از آسیب‌های اجتماعی امدادگران است و در واقع حالتی است که در آن فرد یا مجموعه‌ای از افراد به واسطهٔ درکی که از شرایط محیط پیرامون خود دارند، تحت تأثیر انگیزه‌های متفاوت فردی و اجتماعی، ارتباط خود با پیرامون را قطع می‌کنند. در این حالت فرد باور اندکی نسبت به مکانیسم ارزش‌گذاری و سیستم پاداش اجتماعی دارد و با هر آنچه که از نظر جامعه، معتبر و ارزشمند است خود را هم عقیده و همسو نمی‌بیند. [۱۳]

از یک‌سو بر تعامل بین اختلاف شرایط ذهنی امدادگر و شرایط واقعی فاجعه و از سوی دیگر بر فقدان وضوح نقش (ابهام نقش) تأکید کرده‌اند. تعامل فوق ممکن است این ترس را در امدادگر ایجاد کند که تلاش‌ها و مساعی او ناکافی است یا این تصور و ناراحتی را در او به وجود آورد که اقدامات انجام‌شده، اشتباه بوده و ممکن است عده‌ای از انسان‌ها در اثر اعمال یا فعالیت ناکافی وی تلف شوند، در چنین وضعیتی به امدادگر احساس گناه از عملکرد^۵ دست می‌دهد. امدادگر، فعالیت‌های انجام یافتهٔ خود را بسیار کمتر از حد کمال مطلوب و رضایتمندی می‌داند و به یأس، ناامیدی و سایر علائم روانی و اجتماعی از جمله انزوای اجتماعی مبتلا می‌شود. [۱۴]

تصورات امدادگر و موقعیت واقعی فاجعه (مثلاً میزان و شدت فاجعه)، مواجه شدن با مرگ و واکنش بازماندگان بر شرایط درونی امدادگران تأثیر می‌گذارد و آمادگی روان‌شناختی آنان را بر هم می‌زند. در چنین حالتی، امدادگر کنترل ذهنی خود را که تصور می‌کرد با کمک آن می‌تواند به رفع مشکلات در صحنهٔ فاجعه بپردازد، از دست می‌دهد و احساس درماندگی در او گسترش می‌یابد. [۱۰]

فردریک^۱ (۱۹۸۱) معتقد است که امدادگران ممکن است نشانگان فرسودگی را تجربه کنند و علائمی از قبیل فروپاشی، تحریک‌پذیری، خستگی و فرسودگی و تحلیل جدی توانایی‌های شغلی و سازگاری خویش را بارز سازند. هرچند امدادگران عموماً متوجه وجود این علائم در خود نمی‌شوند. به احتمال زیاد نظر فردریک، مجموع علائمی است که دیگر پژوهشگران از آن به‌عنوان نشانگان ضدفاجعه^۲ نام می‌برند و معتقدند که یکی از وجوه عمدهٔ اقدامات و عملیات امدادی پس از فاجعه‌هاست. به نظر می‌رسد نشانگان ضدفاجعه شکل ویژه و منحصر به فرد نشانگان فرسودگی باشد که پس از فاجعه در امدادگران به وقوع می‌پیوندد. [۱۱]

مازلاخ^۳ (۱۹۸۲) معتقد است کارکنان و کارگرانی که مدت‌های طولانی به‌طور مستمر در معرض فشار روانی شغلی قرار دارند، ممکن است علائم نشانگان فرسودگی را ظاهر کنند. این نشانگان همراه با افت و تحلیل رفتگی و فروپاشی^۴ جسمی، روانی و اجتماعی توصیف شده است. این افت و فرسودگی

¹ Fredrick

² counter disaster syndrome

³ Maslach

⁴ exhaustion

⁵ performance guilt

روش تحقیق

روش تحقیق این پژوهش از نوع کیفی و کمی بود که به صورت مقطعی سال ۱۳۹۴ انجام شد. جامعه آماری را کلیه امدادگران استان‌های آذربایجان شرقی و کرمان تشکیل دادند که در زلزله‌های بم، ورزقان و اهر حضور داشتند. معیار ورود به مطالعه در گروه قانونی حضور در زمان زلزله، سابقه کار بالای پنج سال و معیارهای خروج، مرگ و میر و انصراف از پاسخگویی به پرسشنامه در حین انجام کار بود. برای در نظر گرفتن ملاحظات اخلاقی ابتدا هدف از اجرای این تحقیق برای امدادگران توضیح و به آن اطمینان داده شد که اطلاعات آنان محرمانه می‌ماند. سپس اجازه ضبط مصاحبه‌ها گرفته شد و اعلام گردید که شرکت در مطالعه اختیاری است، به طوری که شرکت‌کنندگان اجازه خروج از فرایند پژوهش را در طول مطالعه دارند. در بخش کیفی برای استخراج مقوله‌ها از طرح تحقیق پدیدارشناسی با بهره‌گیری از گروه‌های قانونی استفاده شد. به منظور دستیابی به گروه‌های قانونی امدادگران، با کارشناسان هلال احمر شهرهای بم، اهر و ورزقان مشورت شد. به کمک آنها، ابتدا دوازده نفر (تعداد افراد گروه قانونی بین شش تا دوازده نفر می‌باشند) [۱۵] انتخاب شدند که محقق آنها را تا رسیدن به درجه اشباع افزایش داد. در نهایت اطلاعات، براساس مصاحبه با ۱۷ نفر از امدادگران استخراج شد. در مصاحبه‌ها سعی شد تا از برداشت و ذهنیت امدادگرانی که زلزله را تجربه کرده‌اند نسبت به آسیب‌های اجتماعی زلزله جویا شده که با استفاده از این شناسایی اولیه، امکان صورت‌بندی سؤالات تحقیق در مورد پدیده مورد مطالعه فراهم شد.

بررسی آسیب‌پذیری اجتماعی امدادگران در حوادث طبیعی با تأکید بر زلزله‌های بم، ورزقان و اهر

در بخش کمی به منظور نمونه‌گیری امدادگران آسیب‌دیده در زلزله بم با توجه به اینکه مدت زمان طولانی از زلزله بم سپری شده بود از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد. بدین ترتیب، محقق، ۹۰ امدادگری را که در زلزله‌های بم، ورزقان و اهر حضور داشتند را انتخاب کرد. امدادگرانی که در زلزله حضور نداشتند نیز با نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند. بدین ترتیب که محقق از بین شصت شهر استان آذربایجان شرقی (به جز شهرهای اهر و ورزقان) شهرهای مشکین‌شهر، میانه، سهند، عجب‌شیر و تبریز را به طور تصادفی انتخاب و ۹۰ امدادگر آن منطقه به پرسشنامه‌های مذکور پاسخ داده‌اند. در این بخش سعی شد افراد پاسخگو از لحاظ سن، جنس، وضعیت اجتماعی و اقتصادی هم‌تا با نمونه آسیب‌دیده باشند. پرسشنامه‌های مطالعه پس از بیان اهداف تحقیق و دادن آگاهی لازم درباره آن به امدادگران داده شدند. پرسشنامه‌ها برای هر فردی جداگانه و با رعایت حریم خصوصی تکمیل شد. اگر پرسشنامه‌ای اطلاعات ناقص داشت، از شرکت‌کننده خواسته شد نسبت به تکمیل اطلاعات اقدام کند. در نهایت، برای در نظر گرفتن ملاحظات اخلاقی به امدادگران اطمینان داده شد که اطلاعات آنان محرمانه خواهد ماند و نتایج پرسشنامه‌ها تنها در امر پژوهش استفاده خواهد شد.

در مرحله کیفی، ابزار گردآوری داده‌ها مصاحبه بوده که یکی از ارکان اصلی در روش تحقیق آمیخته اکتشافی محسوب می‌شود. برای بررسی روایی و پایایی مرحله کیفی، از مفهوم قابلیت اعتماد گوبا و لینکلن (۱۹۸۱) استفاده شد که در برگزیده مجموعه‌ای از معیارها شامل قابلیت اعتبار یا

قابل قبول بودن (جایگزینی برای مفهوم کمی روایی درونی)، قابلیت انتقال و انتقال‌پذیری (جایگزینی برای مفهوم کمی روایی و بیرونی)، قابلیت اعتماد یا سازگاری (جایگزینی برای مفهوم کمی پایایی) و قابلیت تائید و بی‌طرفی (جایگزینی برای مفهوم کمی عینیت) می‌باشد. در بخش کمی ابزار پژوهش^۱ پرسشنامه‌های انزوای اجتماعی، بی‌هنجاری اجتماعی و فرسودگی شغلی بودند. پرسشنامه انزوای اجتماعی ۴ سؤال دارد که توسط اختری فسندرز (۱۳۷۵) تهیه شده است. نمره‌گذاری سؤالات روی طیف لیکرت پنج درجه ای از خیلی موافقم (۱) تا خیلی مخالفم (۵) انجام می‌شود. دامنه نمرات از ۴ تا ۲۰ می‌باشد. هر چه نمرات بالاتر باشند میزان انزوای اجتماعی بیشتر خواهد بود. وی پایایی پرسشنامه را با روش آلفای کرونباخ ۰/۸۲ گزارش کرده است. در این تحقیق پایایی پرسشنامه با همان روش، برابر با ۰/۷۸ به دست آمد و شاخص روایی محتوایی برای تمامی گویه‌ها طی بررسی توسط هفت نفر از اساتید بالاتر از ۰/۷۹ به دست آمد.

ابزار دیگر تحقیق پرسشنامه بی‌هنجاری اجتماعی بود که ۲۲ سؤال دارد و توسط کاظمی (۱۳۷۵) ساخته شده است. نمره‌گذاری سؤالات روی طیف لیکرت پنج درجه‌ای از ۱ تا ۵ انجام می‌شود. دامنه نمرات از ۲۲ تا ۱۱۰ می‌باشد. پایایی پرسشنامه را کاظمی با روش آلفای کرونباخ ۰/۸۵ گزارش کرده است. در این پژوهش محقق پایایی پرسشنامه را با روش آلفای کرونباخ ۰/۷۶ محاسبه و شاخص روایی

و محتوایی برای تمامی گویه‌ها را با بررسی پنج نفر از اساتید و کارشناسان، بالاتر از ۰/۷۹ به دست آورد. پرسشنامه فرسودگی شغلی مسلش (۱۹۸۱) با ۲۲ سؤال و سه زیرمقیاس خستگی عاطفی، شخصیت‌زدایی و فقدان موفقیت فردی یکی دیگر از ابزار تحقیق بود. نمره‌گذاری سؤالات با طیف لیکرت از هرگز (۰) تا خیلی زیاد (۶) انجام می‌شود. مسلش و جکسون ضریب پایایی ۰/۹ برای خستگی عاطفی، ۰/۷۹ برای شخصیت‌زدایی و ۰/۷۱ را برای فقدان موفقیت فردی گزارش کرده‌اند.

بهنیا (۱۳۷۹) ضریب پایایی این آزمون را با استفاده از آلفای کرونباخ بین ۰/۵۵ تا ۰/۸۷ و گرگوکی (۱۳۷۴) بین ۰/۷۵ تا ۰/۸۴ محاسبه کرده‌اند. پایایی پرسشنامه با استفاده از روش آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۱ و برای سه خرده‌مقیاس آن به ترتیب برابر با ۰/۷۶، ۰/۷۸، ۰/۸۲ به دست آمده است و روایی سازه پرسشنامه با استفاده از تحلیل عاملی مورد تائید قرار گرفت. در بخش کیفی به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه از روش تحلیل موضوعی استفاده گردید. در تحلیل داده‌های کیفی مراحل زیر دنبال گردید: (۱) مرور داده‌ها (۲) سازمان‌دهی داده‌ها (۳) کدگذاری داده‌ها (۴) طبقه‌بندی داده‌ها (۵) مقوله‌بندی (۶) ایجاد موضوع و (۷) تدوین گزارش. در بخش کمی به کمک نسخه ۲۱ نرم‌افزار SPSS با طراحی جدول و آزمون آماری تی‌استودنت میزان آسیب‌های اجتماعی امدادگران حاضر در زلزله با سایر امدادگران مقایسه شد. همچنین قبل از اجرای آزمون پیش فرض طبیعی بودن

^۱ Marlowe -Kravn

بررسی آسیب‌پذیری اجتماعی امدادگران در حوادث طبیعی با تأکید بر زلزله‌های بم، ورزقان و اهر

داده‌ها با آزمون کولموگروف-اسمیرنوف مورد قرار گرفت.

یافته‌ها

در این بخش ابتدا مفاهیم استخراج‌شده از گروه کانونی امدادگران در جدول شماره ۱ ارائه و سپس مقولات استخراج‌شده از گروه کانونی امدادگران ذکر شده‌اند. (جدول شماره ۲)

آسیب‌های استخراج‌شده در دو مقوله اجتماعی و روان‌شناختی قرار می‌گیرند. با توجه به حیطه پژوهش موجود که هدف مطالعه آسیب‌های اجتماعی بود، در بخش کمی پژوهش، فقط مقوله‌های اجتماعی بیشتر مطالعه شد. قبل از انجام تحلیل کمی، به منظور بررسی پارامتریک بودن توزیع نمرات ضمن ارائه کجی و کشیدگی توزیع نمرات، از آزمون کولموگروف اسمیرنوف استفاده شد. مقادیر کجی و کشیدگی مشاهده‌شده برای متغیرها در دامنه (۲ و -۲) قرار داشت که گویای نرمال بودن توزیع متغیرها بود و با توجه به مقدار آزمون کولموگروف اسمیرنوف ($P > 0/05$) فرض صفر مبنی بر نرمال بودن توزیع نمرات تأیید و در جدول شماره ۳ ذکر شد.

در خصوص بررسی فرضیه اول (بین بی‌هنجاری اجتماعی امدادگران حاضر در زلزله با سایر امدادگران تفاوت معنی‌داری وجود دارد) از جدول شماره (۴) چنین برمی‌آید که میانگین بی‌هنجاری اجتماعی امدادگران حاضر در زلزله ($23/78 \pm$) از سایر امدادگران بیشتر ($22/27 \pm 50/2$) است. معنی‌داری تفاوت موجود بین میانگین‌ها با

استفاده از آزمون T مستقل بررسی شده است که تفاوت موجود در سطح ($P < 0/01$) معنی‌دار است. به عبارتی میزان فرسودگی شغلی امدادگران حاضر در زلزله بیش از سایر امدادگران است.

تفاوت معنی‌داری وجود دارد. (جدول شماره ۴)

میانگین انزوای اجتماعی امدادگران حاضر در زلزله ($2/63 \pm 9$) از سایر امدادگران ($2/34 \pm 7$) بیشتر است. نتایج این جدول همچنین بیانگر معنادار بودن تفاوت بین دو گروه در انزوای اجتماعی در سطح ($P < 0/01$) می‌باشد، به عبارتی بین امدادگران حاضر در زلزله و سایر امدادگران از لحاظ انزوای اجتماعی تفاوت معناداری وجود دارد.

در خصوص بررسی فرضیه سوم (بین فرسودگی شغلی امدادگران حاضر در زلزله با سایر امدادگران تفاوت معنی‌داری وجود دارد) نتایج جدول شماره ۴ حاکی از این بود، نمرات فرسودگی شغلی در دامنه صفر تا ۱۳۲ قرار دارد که هرچه نمرات بالاتر باشند، میزان فرسودگی شغلی بالاست. از جدول شماره ۴ چنین برمی‌آید که میانگین فرسودگی شغلی امدادگران حاضر در زلزله ($18/91 \pm 80/93$) از سایر امدادگران ($17/77 \pm 40/03$) بیشتر است. معنی‌داری تفاوت موجود بین میانگین‌ها با استفاده از آزمون T مستقل بررسی شده است که تفاوت موجود در سطح ($P < 0/01$) معنی‌دار است. (جدول شماره ۴) به عبارتی میزان فرسودگی شغلی امدادگران حاضر در زلزله بیش از سایر امدادگران است.

جدول شماره ۱: مفاهیم استخراج شده از مصاحبه گروه کانونی امدادگران

مفهوم	داده	ردیف
احساس گناه	خیلی وقت‌ها فکر می‌کنم شاید اگر زودتر رسیده بودیم، خیلی‌ها زنده می‌ماندند.	۱
	خیلی وقت‌ها فکر می‌کنم دیر وارد عمل شدیم، سریع کار نکردیم.	۲
	کاش وسایل بهتری داشتیم، مجهز نبودیم.	۳
احساس درماندگی	در کمک به دیگران خیلی وقت‌ها عاجزیم.	۱
	بیشتر اوقات فکر می‌کنم، آدم قویی نیستم.	۲
	من به درد این شغل نمی‌خورم، روحیه‌اش را ندارم.	۳
فرسودگی شغلی	خیلی وقت‌ها از کار خسته می‌شدم.	۱
	در بیشتر مواقع احساس سرخوردگی می‌کردم.	۲
	خانواده مان را کم می‌دیدیم.	۳
	اکثر اوقات دوست داشتم، محیط را ترک کنم و برگردم.	۴
	خیلی وقت‌ها دوست داشتم تنها باشم و به هیچ کاری مشغول نباشم.	۵
	در پایان کار روزانه، کلی بار روی دوشم بود و احساس گیجی و منگی می‌کردم.	۶
افسردگی	خیلی زود عصبانی می‌شوم و نمی‌توانم خودم را کنترل کنم.	۱
	دردهای جسمانی ام زیاد شده است.	۲
	خوابم بهم ریخته است، دائم بیدار می‌شوم و از خواب می‌پریم.	۳
	کابوس زیاد می‌بینم.	۴
	بسیار بدبین شده‌ام.	۵
استرس	زود از کوره در می‌روم.	۱
	دائم تپش قلب دارم.	۲
	دائم گوش به‌زنگ اتفاق بدی هستم.	۳
	آرامش برای ما یک رؤیا شده است.	۴
انزوای اجتماعی	تحت تأثیر غم‌هایی قرار می‌گرفتم که نمی‌توانم در مورد آنها صحبت کنم.	۱
	خیلی وقت‌ها دوست داشتم تنها باشم، حوصله هیچ فردی را نداشتم.	۲
	وقتی از محیط زلزله دور می‌شدم تا مدت‌ها دوست نداشتم با کسی صحبت کنم.	۳
بی‌هنجاری اجتماعی	آدم نمی‌داند به چه کسی اعتماد کند.	۱
	در حوادث هیچ حساب و کتابی وجود ندارد.	۲
	در حوادث، دزدی و سرقت زیاد صورت می‌گیرد و احساس بی‌نظمی و گیجی می‌کنید.	۳

جدول شماره ۲: مقوله‌های استخراج شده از گروه کانونی امدادگران

گروه کانونی	مقوله اجتماعی	مقوله روان‌شناختی
امدادگران	انزوای اجتماعی / بی‌هنجاری اجتماعی / فرسودگی شغلی	احساس گناه / درماندگی / افسردگی / استرس

جدول شماره ۳: مقادیر کجی و کشیدگی و نتایج آزمون نرمال بودن توزیع متغیرها

گروه امدادگران حاضر در زلزله				
متغیرها	کجی		کشیدگی	
	مقدار	خطای استاندارد	مقدار	خطای استاندارد
انزوای اجتماعی	۱/۰۱	۰/۳۴	۰/۶۷	۰/۵۹
بی‌هنجاری اجتماعی	۰/۹۸	۰/۴۴	۰/۸۳	۰/۷۱
فرسودگی شغلی	۰/۹۹	۰/۶۱	۰/۷۵	۰/۷۸
گروه سایر امدادگران				
انزوای اجتماعی	-۰/۹۸	۰/۱۵	۰/۳۴	۰/۱۷
بی‌هنجاری اجتماعی	-۰/۸۷	۰/۱	۰/۰۹	۰/۰۹
فرسودگی شغلی	-۰/۵۶	۰/۲۸	۰/۴۲	۰/۳۱

جدول شماره ۴: نتایج آزمون T مستقل تفاوت میانگین متغیرهای پژوهش در دو گروه امدادگران حاضر در زلزله و سایر امدادگران

متغیر	گروه	N	\bar{X}	S	آزمون لوین برای		آزمون T مستقل برابری	
					برابری واریانس‌ها	میانگین‌ها	F	Sig
بی‌هنجاری اجتماعی	امدادگران حاضر در زلزله	۹۰	۷۴/۴۶	۲۳/۷۸	۱/۲۵	۰/۲۶۷	۴/۰۷	۰/۰۰۰
	سایر امدادگران	۹۰	۵۰/۲	۲۲/۲۷				۱۷۸
انزوای اجتماعی	امدادگران حاضر در زلزله	۹۰	۹	۲/۶۳	۰/۷۸۵	۰/۳۷۹	-۰/۷۶۶	۰/۰۰۱
	سایر امدادگران	۹۰	۷	۲/۳۴				۱۷۸
فرسودگی شغلی	امدادگران حاضر در زلزله	۹۰	۸۰/۹۳	۱۸/۹۱	۰/۰۶۴	۰/۸۰۱	۸/۶۳	۰/۰۰۰
	سایر امدادگران	۹۰	۴۰/۰۳	۱۷/۷۷				۱۷۸

بحث

و سایر امدادگران از لحاظ بی‌هنجاری اجتماعی تفاوت معناداری وجود دارد. نتیجه این فرضیه نیز هم‌سو و هم‌خوان با نظریه آنومی دورکیم می‌باشد. وی معتقد است که چهار عامل موجب بی‌هنجاری در جامعه می‌شود: (۱) تغییر ناگهانی در استانداردهای زندگی؛ (۲) قرار گرفتن هنجارها در معرض شرایط دائم در حال تغییر؛ (۳) پیشرفت اقتصادی مبتنی بر

پژوهش حاضر با هدف مطالعه آسیب‌پذیری اجتماعی امدادگران در حوادث طبیعی با تأکید بر زلزله صورت گرفت. نتایج پژوهش نشان داد که میانگین بی‌هنجاری اجتماعی امدادگران حاضر در زلزله بیشتر از سایر امدادگران می‌باشد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت بین امدادگران حاضر در زلزله

روابط فردی آزاد شده از نظم؛ ۴) تضعیف نیروهای اخلاقی جامعه. [۱۶]

در زلزله هم این شرایط وجود دارد. از آنجا که امدادگران در معرض حادثه قرار دارند شاهد صحنه‌های دل‌خراشی می‌باشند که آنها را دچار سردرگمی و بی‌هنجاری می‌کند. در مصاحبه‌های انجام شده، امدادگران به مواردی چون بی‌اعتمادی به دیگران و نبود حساب، نظم و ترتیب در امور اشاره کرده‌اند که این موارد، همسو با عوامل ذکر شده توسط دورکیم چون تغییر در استاندارد زندگی و تضعیف اخلاق در جامعه می‌باشند. شایان ذکر است که افزایش نرخ سرقت و دزدی توسط برخی از سودجویان در تجربیات نقل شده توسط امدادگران، دیگر گواه تضعیف اخلاقیات در جامعه و زمینه‌ساز آنومی است.

نتیجه این پژوهش با نتایج تحقیق تایلور و فریز^۱ (۱۹۸۲) که به بررسی آسیب‌های امدادگران سقوط هواپیمای مسافربری در زلاندنو پرداخته‌اند هم‌خوانی دارد. [۱۷]

نتایج پژوهش صدرالسادات (۱۳۸۹) هم یافته‌های تحقیق حاضر را تأیید می‌کند. شواهد دلالت بر این دارند در صورت بروز بلا، امدادگران در معرض خطر بالایی قرار گرفته و تحت تأثیر اثرات ناگوار عاطفی بلایا قرار می‌گیرند و افسردگی و دیگر اشکال پریشانی در بین امدادگران به‌راحتی نادیده گرفته می‌شود. [۱۸]

انزوای اجتماعی دیگر آسیب اجتماعی امدادگران حاضر در زلزله است که علاوه بر نتایج حاصل از

تحلیل، در مصاحبه‌های انجام شده، به شواهد این آسیب چون غم و غصه، عدم تمایل به ارتباط با دیگران و حضور در جمع افراد اشاره شده است.

یافته‌های این پژوهش همچنین بیانگر این بود میانگین فرسودگی شغلی امدادگران حاضر در زلزله بیش از سایر امدادگران می‌باشد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت بین امدادگران حاضر در زلزله و سایر امدادگران از لحاظ فرسودگی شغلی تفاوت معناداری وجود دارد. این نتیجه با پژوهش نظریه استونیچ^۲ [۱۹] پاتون (۱۹۸۹)، رافائل (۱۹۸۶)، مازلاخ^۳ [۱۳] و فیگلی^۴ همسو می‌باشد. [۲۰] این نظریه‌پردازان معتقدند کارکنان و کارگرانی که مدت‌های طولانی به‌طور مستمر در معرض فشار روانی شغلی قرار دارند، دچار فرسودگی می‌شوند. این افت و فرسودگی بر حُسن اجرای وظایف محوله تأثیر می‌گذارد. لذا افراد مبتلا نمی‌توانند چون گذشته عملکرد شغلی لازم را از خود نشان دهند. امدادگران حاضر در زلزله در مصاحبه‌های خود، به مواردی چون خستگی از کار، احساس سرخوردگی، حجم بالا و خارج از توان کار و تمایل به انجام‌ندادن فعالیت و بازگشت به خانواده اشاره کردند که همه این موارد شواهد فرسودگی شغلی می‌باشند.

نتیجه‌گیری

این مطالعه نشان داد اگر چه زلزله یک پدیده طبیعی است، اما به سبب آسیب‌های اجتماعی گوناگونی که دارد به موضوعی جامعه‌شناسی تبدیل شده و گروه‌های اجتماعی آسیب‌پذیری را به وجود

² Stonich

³ Maslach

⁴ Figley

¹ Taylor & Frazer

مهارت و کارآیی به امدادگر این احساس را می‌دهد که از نظر شخصی پیشرفت و رشد داشته است. رافائل (۱۹۸۶) نیز بر این راهبرد تأکید و معتقد است کسب مهارت به فرد کمک می‌کند تا دریابد که کار او به خوبی انجام شده و آنچه او عملاً انجام داده، مناسب بوده است. [۲۱]

سپاسگزاری

پژوهشگران بر خود لازم می‌دانند از تمامی امدادگران استان‌های کرمان و آذربایجان شرقی و مسئولان مراکز هلال‌احمر این استان‌ها صمیمانه تشکر و قدردانی کنند.

می‌آورد. امدادگران از جمله گروه‌های اجتماعی آسیب‌پذیر می‌باشند که حوادث و بلایای طبیعی، آسیب‌پذیری آنها را شدت می‌بخشد. از آنجاکه این گروه در معرض حادثه قرار دارند و مداوم صحنه‌های دل‌خراشی را مشاهده می‌کنند، دچار بی‌هنجاری، سردرگمی و انزوای اجتماعی می‌شوند. این عوامل به مرور زمان زمینه فرسودگی شغلی آنان را فراهم می‌کند.

حال با توجه به آسیب‌پذیری این گروه اجتماعی، امدادگران می‌توانند از طریق برقراری روابط اجتماعی با اعضای خانواده، دوستان و حمایت‌های بین فردی و اجتماعی به مقابله و سازگاری با پیامدهای فاجعه بپردازند.

پاتون (۱۹۸۹) معتقد است که این راهبرد علاوه بر اثر تعدیل‌کننده ادراک فاجعه توسط امدادگر و در نتیجه تسهیل مقابله در او، به وی این آگاهی را دهد که علائم و احساساتی که او در صحنه فاجعه تجربه می‌کند، جزئی معمولی و عادی از کار او هستند. [۵]

از سوی دیگر با توجه به نظریه گلسر^۱ روابط اجتماعی برای امدادگر پایه‌ای از احساس ایمنی فراهم می‌آورد، بنابراین وی درمی‌یابد عده‌ای دوستدار او و منتظر بازگشت او هستند. طبیعی است این ادراکات، موضوع مقابله و سازگاری را در امدادگران تسهیل خواهد کرد. همچنین تلاش برای کسب مهارت و تسلط بر موقعیت فاجعه یکی از راهبردهای مقابله‌ای در امدادگر است، زیرا کسب

^۱ Gelsler

References

1. Aghabakhshi H. Charter of social work for natural disasters with a look at the earthquake Journal of Social Welfare, 2003;3 (12):40-47.[In Persian]
2. World Health Organization; Health care for the elderly. Geneva: World Health Organization Press; 2003
3. Soltaninejad. A. Sociology of accident. Tehran: Jamee Shenasan Publication; 2016. 100-105 [In Persian]
4. Soltaninejad, A. Sociological consequences of the earthquake in Bam. Journal of Iran Social Science Studies. 2012; 19(3): 128-148. [In Persian]
5. Barkun, M. Disasters & the millennium, New Haven. Yale University Press;1974
6. Raphael, B. The human dimensions of climate change: the political ecology of vulnerability.2015; 7(1):123-143
7. Paton. D, disaster, and helpers: psychological dynamic and implication for counseling, counseling quarterly 1989; 2(3)
8. Quarantelli, E. L Just as a disaster is not simply a big accident, so a catastrophe is not just a bigger disaster. The Journal of the American Society of Professional Emergency Planner. 2010; 10(38):139-48
9. Durkheim, Emile. Suicide: a study in sociology, trans by John A. Spaulding and George Simpson, London: Rutledge and Kegan Paul, Ltd. (1952).432-454
10. Smith, K, Environmental hazards: assessing risk and reducing disaster, 3rd Ed, Rutledge, New York, 2000
11. Fredrick. L. Just as a disaster is not simply a big accident, so a catastrophe is not just a bigger disaster. The Journal of the American Society of Professional Emergency Planner. 1981; 10(38):139-48
12. Maslach F. Robert, Historical dictionary of refugee and disaster relief organizations, Second Edition, the Scarecrow Press Inc. Lnham, Maryland and London, 2016.78-82
13. Najariyan B, Ezhei J, Azad Fallah P, Kiamanesh A. The Impact social support in life satisfaction, general health, and isolation feeling in older adults above 60 years old. Journal of Psychology. 2010; 6(2):45-62. [In Persian]
14. Soltani Nejad, A, Madani S. Sociology of vulnerable social groups in natural disasters, Tehran Sokhnaran Publication. 2016 [In Persian]
15. Bazargan, A. Educational Evaluation. Tehran: Samt Publication; 2014. [In Persian]
16. Boule Ph., Luc V, Elina P. Vulnerability reduction for sustainable urban development. Disasters journal, 1991; 5 (3):179-188
17. Taylor. A.W, Frazer A.G, The stress of post-disaster body handing and victim identification journal of human stress, 1982
18. Sadrossadat J. Investigation of the vulnerability of the rescuer. Journal of Developmental Psychology. 2010; 10(38):139-48. [In Persian]
19. Stonich, S. The Human Dimensions of Climate Change: The Political Ecology of Vulnerability, 2015
20. Figley H. Rethinking social development: the search for relevance. In Rethinking Social Development, Ed. D. Booth, Longman Group Limited.2016; 145- 151
21. Gelser SJ. The compatibility of the victims of the Buffalo Creek. Journal of Gerontology. 2014; 45(3):173-83.

The study of social vulnerability of relief workers in natural disasters with emphasize on Bam, Varzaghan, and Ahar earthquakes

Corresponding author: Amir Soltani Nejad, PhD in Sociology, Khajeh Nasir Toosi University of Farhangian, Kerman, Iran
Email: amirsoltan59@gmail.com

Adibeh Barshan: PhD in Educational Measurement, Tehran University, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Tehran, Iran

Amir Sadr Asadi: MA in Educational Management, Islamic Azad University, Kerman, Iran

Mansoureh Mirhossein: MA in Family Counseling, Department of Psychology, Payame Noor University of Semnan, Semnan, Iran

Received: June 27, 2017 **Accepted:** May 6, 2018

Abstract

Background: Earthquake is one of worst natural disasters that kill many people around the world every year and causes many damages. It imposes not only financial losses, but also social damages to the community. The earthquake is a natural disaster while it has become a sociological issue, which creates vulnerability groups such as relief workers due to this various social effects. However, the present study aims to investigate the social vulnerability of relief workers in the earthquake.

Method: This cross-sectional study was done in two qualitative-quantitative phase. All relief workers were studied in Kerman and East Azerbaijan provinces. In qualitative part, phenomenology research design was performed by using focal groups in order to recognize the social damage of relief workers who experienced an earthquake. Hence, 13 persons were selected through purposive sampling then the social effects of the earthquake were identified. In the quantitative part, 90 relief workers who experienced Bam, Varzaghan, and Ahar earthquakes and 90 people who did not experienced an earthquake peer with the first group were selected. They answered the questions of social isolation, social anomie, and job burnout questionnaires. Data collected and analyzed by SPSS-21 and T-test.

Findings: The findings are as follows: in the qualitative part, social problems caused by earthquake including social anomie, social isolation and job burnout were identified through interviews. In the quantitative part, the average of social anomie in relief workers in the earthquake and other relief workers were 74.46 ± 23.78 and $50/2 \pm 22/27$ respectively; the mean of social isolation in relief workers who were in the earthquake and other relief workers was $9 \pm 2/63$ and $7 \pm 2/34$. Finally, the mean of job burnout in relief workers in the earthquake and other relief workers were $80/93 \pm 18/91$ and $40/03 \pm 17/77$. In addition, the social anomie, social isolation and job burnout of relief workers whom they were in the region during the earthquake were higher than others ($P < 0.01$)

Conclusion: The results show that the relief workers are one of the social vulnerable groups in the earthquake in addition to anxiety, feeling guilty, depression, and helplessness they will suffer from social problems that have not received much attention. So, one of the most important necessities should be planning and taking the necessary measures in order to reduce and control such injuries

Keywords: social vulnerability, relief workers, earthquake, social isolation, social anomie